

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان

مقایسه‌ی مجمع‌الابکار عرفی شیرازی با خلدبرین وحشی بافقی

از دیدگاه صورخیال

استاد راهنما

خانم دکتر نسرین فقیه ملک مرزبان

استاد مشاور

آقای دکتر حسین فقیه‌هی

دانشجو

لیلا ایزی

مهر ماه ۹۰

کلیه‌ی دستاوردهای ناشی از این پژوهش متعلق به
دانشگاه الزهراء(س) است.

بضاعتى مزجاة پيشكش وجود مقدس بقية الله الاعظم حضرت

مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف

سپاس نامه

سپاس و ستایش خداوندی را که نخستین بی‌آغاز است و واپسین بی‌انجام. خداوندی که الطاف بی‌دریغش همواره شامل حال ما است و کرم و رحمتش، یاری‌گر لحظه‌هایمان.

پس از سپاس خداوند، بر خود فرض می‌دانم از بزرگان و عزیزانی که راهنمای راهم بوده‌اند، مراتب سپاس و قدردانی خود را به جا آورم؛ چرا که "مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ".

با سپاس و تشکر فراوان از استاد عالم و فرزانه، سرکار خانم دکتر نسرین فقیه ملک مرزبان، که از آغاز تا انجام این پژوهش از راهنمایی‌های ارزشمند ایشان بهره‌مند شدم و نهایت لطف و همراهی را با من داشتند و نیز عرض سپاس و تشکر از جناب آقای دکتر حسین فقیهی که زحمت مشاوره‌ی این پژوهش را برعهده داشتند و از راهنمایی‌ها و نظرات راه‌گشای ایشان، بهره‌ی بسیار بردم.

همچنین از جناب آقای دکتر احمد خواجه‌ایم از استادان عالم، فاضل و بزرگواریم در دانشگاه تربیت معلم سبزوار، کمال تشکر و قدردانی را دارم که راهنمایی‌ها و سخنان ارزشمند ایشان، همواره چراغ راهم بوده و کلام دل‌نشینشان، موجب دلگرمی من است.

از زحمات و هم‌یاری‌های پدر و مادر عزیزم کمال تشکر و سپاس را دارم؛ آنان که وجودم مایه‌ی زحمتشان و وجودشان مایه‌ی آرامش من است.

و در پایان از دوست عزیزم، سرکار خانم اعظم رضایی گروی، صمیمانه تشکر می‌کنم که در تمامی لحظات انجام این پژوهش و در سختی‌ها و ناهمواری‌های زندگی، برایم همراهی مهربان و صبور بودند.

سلامت، سعادت و بهروزی این عزیزان را از خداوند متعال خواستارم.

چکیده

وحشی بافقی و عرفی شیرازی، از شاعران بنام سده‌ی دهم هجری هستند که با وجود هم‌عصر بودن، دو سبک متفاوت و متمایز از یکدیگر را در آثار خود، به کار گرفته‌اند. سبک به کار رفته در آثار وحشی، معروف به مکتب وقوع است و سبکی که عرفی در آثار خود از آن بهره برده است، به سبک هندی شهرت دارد.

در این پژوهش، صورخیال "مجمع‌الابکار" عرفی شیرازی و "خلدبرین" وحشی بافقی، مورد مقایسه قرار گرفته است. در نتیجه‌ی قیاس، دریافتیم که صورخیال به کار رفته در مجمع‌الابکار، از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار است؛ حال آن‌که خلدبرین بیانی ساده و به دور از تکلف دارد. از صورت‌های خیالی هر دو اثر، استقرای تام به عمل آمد و نمونه‌ها مورد تحلیل قرار گرفت.

کلید واژه‌ها :

خلدبرین؛ سبک هندی؛ صورخیال؛ عرفی شیرازی؛ مجمع‌الابکار؛ مخزن‌الاسرار؛ مکتب وقوع؛

وحشی بافقی.

فهرست

مقدمه	۱۱
۱-۱ - مسأله‌ی پژوهش	۱۴
۲-۱ - پرسش‌های پژوهش	۱۴
۳-۱ - فرضیه‌های پژوهش	۱۵
۴-۱ - اهداف پژوهش	۱۵
۵-۱ - روش پژوهش	۱۵
۶-۱ - پیشینه‌ی پژوهش	۱۶
۱-۲ - وحشی بافقی	۱۸
۲-۲ - عرفی شیرازی	۲۰
۳-۲ - خلدبرین	۲۱
۴-۲ - مجمع‌الابکار	۲۴
۵-۲ - وجوه شباهت میان خلدبرین و مجمع‌الابکار	۲۷
۶-۲ - وجوه تفاوت میان خلدبرین و مجمع‌الابکار	۲۸
۷-۲ - مقایسه خلدبرین و مجمع‌الابکار با مخزن‌الاسرار	۳۲
۱-۷-۲ - ابیات مشابه مخزن‌الاسرار و خلدبرین	۳۳
۲-۷-۲ - ابیات مشابه مخزن‌الاسرار و مجمع‌الابکار	۳۴
۸-۲ - سده‌ی دهم، حکومت صفوی و جریان‌های ادبی	۳۶
۹-۲ - مکتب وقوع	۳۹
۱-۹-۲ - بنیان‌گذار مکتب وقوع	۴۱
۲-۹-۲ - واسوخت	۴۲
۳-۹-۲ - ویژگی‌های مکتب وقوع	۴۳
۴-۹-۲ - مختصات سبکی مکتب وقوع	۴۳
۵-۹-۲ - پایان مکتب وقوع	۴۴
۱۰-۲ - سبک هندی	۴۴
۱-۱۰-۲ - بنیان‌گذار سبک هندی	۴۶
۲-۱۰-۲ - ویژگی‌های سبک هندی	۴۶
۳-۱۰-۲ - تفاوت مکتب وقوع با سبک هندی	۴۸
۱-۳ - خیال	۵۱
۲-۳ - تصویر و ماهیت آن	۵۳
۳-۳ - صورخیال	۵۸

۵۹ تشبیه ۱-۳-۳
۶۰ تشبیه و مشبه و مشبه‌به ۱-۱-۳-۳
۶۱ تشبیه حسی/عقلی ۲-۱-۳-۳
۶۷ تأثیر محیط بر تشبیهات به کار رفته در آثار شاعران ۳-۱-۳-۳
۶۸ وجه‌شبهه ۴-۱-۳-۳
۷۳ تشبیه تحقیقی/تخیلی ۵-۱-۳-۳
۷۷ تشبیه مجمل/مفصل ۶-۱-۳-۳
۸۱ تشبیه قریب/بعید ۷-۱-۳-۳
۸۳ تشبیه مرسل/مؤکد ۸-۱-۳-۳
۸۶ تشبیه مفرد/مقید/مرکب ۹-۱-۳-۳
۸۸ تشبیه به لحاظ شکل ۱۰-۱-۳-۳
۹۱ خلاصه‌ی نتایج حاصل از این بخش ۱-۳-۳
۱۰۱ مجاز ۲-۳-۳
۱۰۲ مجاز مرسل ۱-۲-۳-۳
۱۰۶ مجاز عقلی(اسناد مجازی) ۲-۲-۳-۳
۱۰۷ اسناد مجازی و حس آمیزی ۱-۳-۳
۱۰۸ انگیزه‌های کاربرد اسناد مجازی ۱-۳-۳
۱۱۶ خلاصه‌ی نتایج حاصل از این بخش ۱-۳-۳
۱۱۸ استعاره ۳-۳-۳
۱۲۰ مستعارله و مستعارمنه ۱-۳-۳-۳
۱۲۳ حسی / عقلی بودن مستعارله و مستعارمنه ۱-۳-۳-۳
۱۲۵ جامع ۲-۳-۳-۳
۱۲۸ حسی/عقلی بودن جامع ۱-۳-۳-۳
۱۳۱ استعاره‌ی تحقیقی/تخیلی ۱-۳-۳-۳
۱۳۴ استعاره‌ی قریب/بعید ۱-۳-۳-۳
۱۳۷ گونه‌های استعاره ۳-۳-۳-۳
۱۳۷ استعاره‌ی مصرحه ۱-۳-۳-۳
۱۴۰ استعاره‌ی مکنیه ۱-۳-۳-۳
۱۴۴ استعاره‌ی تبعیه ۱-۳-۳-۳
۱۴۵ خلاصه‌ی نتایج حاصل از این بخش ۱-۳-۳-۳
۱۵۴ کنایه ۴-۳-۳
۱۶۰ خلاصه‌ی نتایج حاصل از این بخش ۱-۳-۳-۳
۱۶۵ تمثیل(تشبیه تمثیلی) ۱-۴
۱۶۷ تمثیل‌های خلد برین ۱-۱-۴

۱۷۰ ۲-۱-۴- تمثیل‌های مجمع‌الابکار
۱۷۱ خلاصه‌ی نتایج حاصل از این بخش
۱۷۲ ۲-۴- تناسب
۱۷۶ ۱-۲-۴- تلمیح
۱۷۹ ۱-۱-۲-۴- تلمیحات خلدبرین
۱۷۹ ۲-۱-۲-۴- تلمیحات مجمع‌الابکار
۱۸۴ خلاصه‌ی نتایج حاصل از این بخش
۱۸۵ ۳-۴- کهن‌الگو
۱۸۸ ۴-۴- تجسم
۱۹۰ خلاصه‌ی نتایج حاصل از این بخش
۱۹۲ نتیجه‌گیری
۱۹۲ وجوه شباهت خلدبرین و مجمع‌الابکار
۱۹۲ وجوه تفاوت و تمایز میان خلدبرین و مجمع‌الابکار
۱۹۳ شباهت‌های خلدبرین با مخزن‌الاسرار
۱۹۳ شباهت‌های مجمع‌الابکار با مخزن‌الاسرار
۱۹۸ منابع

مقدمه

کمال‌الدین محمد وحشی بافقی، از شاعران سده‌ی دهم هجری در ایران است. وی را از بنیان‌گذاران **مکتب وقوع** دانسته‌اند. وحشی در آثار خود، از صورخیال در حد معمول استفاده کرده و بیانی ساده و به دور از تکلف دارد.

جمال‌الدین محمد عرفی شیرازی نیز از دیگر شاعران سده‌ی دهم هجری است که در هندوستان به سر می‌برد. اشعار او در شمار نخستین آثار **سبک هندی** قرار گرفته است. برخی از بزرگان ادب پارسی، عرفی را از پایه‌گذاران **سبک هندی** دانسته‌اند. وی در آثار خود از آرایه‌ها و صورخیال، بسیار بهره برده است و کلام و بیانی پیچیده و دشوار دارد.

از آن جا که وحشی بافقی و عرفی شیرازی در پیدایش دو سبک مهم ادب پارسی، یعنی **سبک هندی** و **مکتب وقوع**، نقشی اساسی داشته‌اند، این پژوهش به مقایسه و تحلیل صورخیال به‌کار رفته در مثنوی "**مجمع‌الابکار**" عرفی و "**خلدبرین**" وحشی بافقی، پرداخته است.

در این پژوهش دو نسخه‌ی چاپی از خلدبرین و مجمع‌الابکار، اساس کار قرار گرفته است:

۱. عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۹) دیوان عرفی شیرازی، تصحیح غلامحسین جواهری، کتاب‌خانه‌ی سنایی، چ. سوم.

۲. وحشی بافقی، کمال‌الدین (۱۳۷۴) دیوان وحشی بافقی، تصحیح محمدحسین سیدان، طلایه، چ. دوم.

این پژوهش در چهار فصل تدوین شده است: فصل اول، شامل چارچوب پژوهش است؛ در فصل دوم، به تعاریف و کلیات پژوهش پرداخته شده است؛ فصل سوم به مسأله‌ی صورخیال –

مهم‌ترین مسأله‌ی مطرح در این پژوهش - و تحلیل و بررسی نمونه‌های موجود در هر یک از آثار اختصاص یافته است؛ فصل چهارم نیز ادامه‌ی مباحث قبلی است؛ با این تفاوت که مباحث مطرح در فصل سوم، بیشتر مربوط به حوزه‌ی بیان هستند اما فصل چهارم به برخی مباحث علم بدیع-که در زمینه‌ی صورخیال نیز مؤثر هستند- پرداخته شده است. در انتها نیز نتیجه‌گیری کلی از تمامی تحلیل‌ها ذکر شده است.

از آن‌جا که تمامی ابیات مثنوی *خلدبرین* و مثنوی *مجمع‌الابکار*، مورد تحلیل قرار گرفته است، نتایج به قطعیت نزدیک‌تر است. در این مقوله به منظور پرهیز از تکرار مکررات، از توضیح مفصل پیرامون هر آرایه خودداری کرده و به توضیحی مختصر اکتفا شده است.

پس از پایان فیش‌برداری، با توجه به طرح از پیش تعیین شده و با راهنمایی‌های ارزشمند استادان فاضل و عالم، سرکار خانم دکتر نسرين فقيه ملك مرزبان و جناب آقای دکتر حسين فقيهی، این پژوهش نگارش یافت.

امید است مورد توجه و تایید استادان محترم واقع شود.

فصل

اول

پروپوزال

۱-۱ - مسأله‌ی پژوهش

وحشی بافقی (۹۳۹-۹۹۱ ه. ق.) یکی از شاعران مشهور سده‌ی دهم هجری است. وی برخلاف دیگر هم‌عصران خویش - که سعی در لفاظی و کاربرد فراوان آرایه‌های کلامی داشتند - در آثار خود از آرایه‌های کلامی در حد معمول بهره برده و شیوه‌ی زبان و بیان در آثار او بسیار ساده است به گونه‌ای که گاه به نظر می‌رسد شاعر، سخنان روزمره‌ی خود را بیان کرده است. سبک به‌کار رفته در آثار وحشی بافقی، به مکتب وقوع شهرت دارد. وی در شیوه‌ی شاعری، نظامی را سرمشق خود قرار داده است.

عرفی شیرازی (۹۶۳-۹۹۹ ه. ق.) از دیگر شاعران سده‌ی دهم هجری است که با وجود هم‌عصر بودن با وحشی بافقی، سبکی متفاوت با سبک معمول در آثار وی را به‌کار گرفته است. وی به دلیل مهاجرت به هند، تحت تأثیر فرهنگ دشوارپسند هندی قرار گرفته و در نتیجه آثارش سرشار از لفاظی‌ها و آرایه‌پردازی‌های گزاف شاعرانه است؛ شیوه به‌کار رفته در آثار عرفی، به سبک هندی معروف است. وی نیز در شیوه‌ی شاعری به نظامی نظر دارد.

باتوجه به این‌که دو شاعر مذکور، هم‌عصر و از مقلدان نظامی هستند اما با سبک و شیوه‌ی متفاوت با یکدیگر، نگارنده دو مثنوی *خلدبرین وحشی بافقی* و *مجمع‌البکار عرفی شیرازی* را اساس کار خود قرار داد، تا به بررسی و مقایسه‌ی گونه‌های صورخیال به‌کار رفته در این آثار بپردازد و تفاوت‌های این دو اثر هم‌عصر را بیشتر و بهتر آشکار کند.

۲-۱ - پرسش‌های پژوهش

۱. کدام‌یک از این دو اثر، تأثیر بیشتری از *مخزن‌الاسرار* پذیرفته است؟
۲. میزان کاربرد واژگان عربی در هر یک از این دو اثر چگونه است؟
۳. میزان کاربرد صورخیال در *خلدبرین* و *مجمع‌البکار* چگونه است؟

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

۱. در بررسی اجمالی آثار، این نتیجه حاصل شد که **مجمع‌الابکار** نسبت به **خلدبرین** تأثیر بیشتری از **مخزن‌الاسرار** پذیرفته است؛ از جمله‌ی این تأثیرها، مضامین داستانی مشترک میان **مجمع‌الابکار** با **مخزن‌الاسرار**، لفاظی‌ها و آرایه‌های پردازشی‌های شاعرانه و نیز کاربرد فراوان واژگان عربی در مقایسه با **خلدبرین** است.

۲. در بررسی اولیه‌ی این دو مثنوی، کاربرد واژگان عربی در **مجمع‌الابکار** در مقایسه با **خلدبرین** بیشتر می‌نماید.

۳. در **خلدبرین**، **صورخیال** در حد معمول به‌کار رفته است و چندان به لفاظی و آرایه‌پردازی توجه خاصی نشده است؛ حال آن‌که **مجمع‌الابکار**، سرشار از آرایه‌های لفظی و معنوی است؛ به‌گونه‌ای که گاه در فهم ابیات آن دچار مشکل می‌شویم.

۱-۴- اهداف پژوهش

همان‌گونه که در بخش مسأله‌ی پژوهش ذکر شد، نگارنده بر آن است تا با مقایسه‌ی این دو اثر هم عصر - **خلدبرین** و **مجمع‌الابکار** - تفاوت‌های بلاغی موجود میان آن‌ها را بیشتر آشکار کند و نیز به بررسی وجوه تشابه و تفاوت هر یک از این دو اثر با **مخزن‌الاسرار** بپردازد.

۱-۵- روش پژوهش

ابتدا مفاهیم و کلیات، به صورت کتابخانه‌ای فراهم آمده و سپس به تجزیه و تحلیل دو اثر پرداخته می‌شود. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، تمام مثنوی‌های **خلدبرین** و **مجمع‌الابکار** است که ابتدا از هر یک از این دو اثر، نمونه‌ها به صورت دقیق و کامل استخراج می‌شود؛ سپس به بررسی و تحلیل آن‌ها پرداخته و در انتها، نتایج به‌دست آمده بر روی جدول‌ها و نمودار نشان داده خواهد شد.

۱-۶- پیشینه‌ی پژوهش

۱. شریف‌زاده مود، میترا (۱۳۷۶) *تحلیل اشعار وحشی بافقی از دیدگاه سبک‌شناسی و فنون*

ادبی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

نتیجه‌ی کلی: مضمون‌های اصلی شعر وحشی، عشق و غم و شوریدگی است. وحشی به علم بیان، بویژه استعاره و تشبیه توجه خاص دارد. در اشعار خود از بحر رمل و مضارع و هزج بیشتر استفاده کرده است. ۹۰ درصد اشعارش ردیف دارند. بیشترین حرفهای روی در قافیه‌هایش "ن"، "ر" و "ا" می‌باشند. پرکاربردترین واژگان آن تغافل، ناز و سوختن است. مقبولیت و پسند نسبی اشعار وحشی بیشتر شامل ترکیب‌بندها، غزلیات و ترجیع‌بند او و سپس مثنویهایش می‌باشد. اشعار وی به شیوه *مکتب وقوع* یا *واسوخت* و زبان شعری‌اش ساده، روان و صمیمی است.

۲. آذرینیا، محمد (۱۳۸۱) *صورخیال در دیوان وحشی بافقی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد*

مشهد.

هدف پژوهش، بررسی صورت‌های خیال در اشعار وحشی بافقی است. این پایان‌نامه شامل زندگی‌نامه وحشی بافقی، چگونگی پیدایش غزل و سیر آن تا قرن دهم، سبک و شیوه‌ی بیان وحشی، وزن اشعار او، تصویرآفرینی و مفاهیم و کلیات پیرامون علم بیان می‌باشد.

۳. طبائی عقدائی، ابوالقاسم (۱۳۸۷) *فرهنگ تشبیهات در دیوان وحشی بافقی، دانشگاه*

شیراز.

در این پژوهش، تمامی تشبیهات موجود در دیوان وحشی بافقی، استخراج و سپس به صورت فرهنگ‌نامه تنظیم شده است.

فصل

دوم

کلیات

۲-۱- وحشی بافقی

کمال‌الدین محمد وحشی بافقی، یکی از شاعران پارسی‌گوی سده‌ی دهم هجری است. نام وی را برخی کمال‌الدین و برخی دیگر شمس‌الدین محمد دانسته‌اند. تاریخ دقیق ولادتش مشخص نیست. برخی سن وی را هنگام وفات، پنجاه و دو سال دانسته‌اند که با توجه به این نکته، وی باید در حدود سال (۹۳۹ هـ.ق) ولادت یافته باشد.

وحشی در بافق که از اعمال یزد - و یا به روایتی کرمان - است در خانواده‌ی متوسطی دیده به جهان گشود. در ابتدا توسط برادر بزرگترش مرادی بافقی - که خود نیز در شاعری دستی داشت - پرورش یافت و با شعر و شاعری آشنا شد و سپس به خدمت شرف‌الدین علی بافقی درآمد و به کسب ادب و دانش پرداخت.

دوران حیاتش مصادف با حکومت صفوی بود. پادشاهان صفوی برای شعر و شاعری اهمیت زیادی قائل نبودند و تنها به اشعاری که در وصف امامان بود، اهمیت می‌دادند. برخلاف دربار صفوی، دربار هندوستان تمایل زیادی به زبان و ادب پارسی داشت و برای شاعران پارسی‌گوی ارزش و اهمیت زیادی قائل بود. در این شرایط، بسیاری از شاعرانی که در ایران به سر می‌بردند، رخت سفر را بر بسته و به هندوستان مهاجرت کردند تا به مقام و منزلتی دست یابند.

وحشی بافقی که شخصیتی با مناعت طبع بسیار داشت، در ایران ماند و با اشعار زیبایی که سرود، ماندگار شد. وی شعر را در خدمت ارتزاق خویش قرار نداد و تنها برای دل خود و مخاطب عامه شعر گفت؛ از این رو، آثار او به زبانی ساده و صمیمی نگارش یافته است. مضمون‌ها، ظرایف شاعرانه، بیان احساسات و عواطف و نازک خیالی‌های او، آنچنان با زبانی

ساده و روان بیان شده است که گاه آن‌ها را با زبان محاوره بیان می‌کند و همین مسأله، به شاعری او ارزش و اعتبار فراوان می‌دهد.

وی تنها چند قصیده در وصف برخی شاهان صفوی از جمله شاه طهماسب، شاه محمد ثانی و شاه محمد خدابنده دارد که در این قصاید نیز حد میانه را رعایت کرده و چندان اغراق نمی‌کند. «در دستگاه حکومتی یزد، عده‌ای شاعران محلی می‌زیستند که وحشی با آنان آشنایی و گاه معارضه داشت. از میان آنان، مهم‌تر از همه مولانا موحد‌الدین فهمی و محتشم‌کاشانی بودند که آنان و وحشی با یکدیگر مهاجرات داشتند.» (صفا، ۱۳۷۸: ۳۳۰)

وحشی بافقی تقریباً در تمامی قالب‌های ادبی طبع‌آزمایی کرده و دیوانش متجاوز از نه هزار بیت شامل قصیده، ترکیب و ترجیع، غزل، قطعه، رباعی و مثنوی است. زیباترین یادبودهای وحشی، غزل‌های اوست که از شاهکارهای ادب پارسی به شمار می‌رود و در بیشتر آن‌ها، احساس تند شاعرانه و عاطفه‌ی حاد و دردهای درونی او با زبانی شیوا و در عین حال ساده و صمیمی به تصویر کشیده شده است.

وی تا آن‌جا که توانسته، سعی در به‌کاربردن زبانی ساده، صمیمی و به دور از لفاظی‌های گزاف شاعرانه داشته و از صنایع و آرایه‌های کلامی، در حد معمول و تنها در آن‌جا که بافت کلام اقتضا می‌کند، استفاده کرده است. وی همچنین از به‌کاربردن واژه‌های دشوار و ترکیب‌های ناهموار عربی، در شعر خود دوری جسته و به جای آن از واژگان و ترکیب‌های متداول زمان - چنان‌که رسم بیشتر هم‌عصرانش بود - استفاده کرده است.

«گفته‌های گوناگون درباره‌ی گزینش تخلص وحشی در کتاب‌های چندگانه وجود دارد. برخی با دست‌یازیدن به نوشته‌ی *عبدالنبی‌فخرالزمانی* در تذکره‌ی *میخانه* براین باورند، بعد از آن‌که حاکم کاشان گفت: "این وحشی، شعر می‌تواند گفت؟" او خود را متخلص به *وحشی* کرد. برخی آن را به واسطه‌ی ارادتی می‌دانند که کمال‌الدین، به برادرش *مردی بافقی* داشته است و چون برادر درگذشته، کمال‌الدین تخلص او را که *وحشی* بود، بر خود نهاده است که چندان درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا برادرش متخلص به *مردی* بوده است. به عقیده‌ی نگارنده، این

تخلص با منش عارفانه و عاشقانه کمال‌الدین محمد سازگار است؛ همچون صدها تخلص عرفانی دیگر مانند ژولیده، شوریده، مجنون، فدایی و

«چنان که از لابلای اشعار دیوان وحشی برمی‌آید، وی شاعری شیعی بوده و ترکیب‌بند و قصایدی در دیوانش دیده می‌شود که در مدح حضرت علی (ع) و آل علی همچون امام رضا (ع) و امام مهدی و ... سروده است.» (وحشی بافقی، ۱۳۷۴ : ۳۱-۳۲)

درباره‌ی چگونگی وفات وی سخنان بسیاری هست. عده‌ای علت مرگ او را افراط در باده نوشی دانسته‌اند و برخی دیگر بر این باورند که به دست معشوق خود به قتل رسید؛ برخی نیز علت مرگش را مبتلا شدن به "حمی محرقه" دانسته‌اند. به هر حال، وی در سال ۹۹۱ در یزد بدرود حیات گفت. گورش نیز در کوی پیربرج آن شهر، روبروی شاهزاده فاضل می‌باشد.

۲-۲- عرفی شیرازی

محمد ابن بدرالدین ملقب به جمال‌الدین، از شاعران بنام سده‌ی دهم ایران و هم‌زمان با وحشی بافقی است. عرفی در سال ۹۶۳ هجری قمری در شیراز ولادت یافت. گویا پدرش پیشوای حومه‌ی شهر شیراز و یا داروغه‌ی آن شهر بوده است. عرفی تحصیلات اولیه‌ی خود را در شیراز گذراند و به قدر وسع بر موسیقی وقوف یافت و در خط نسخ مهارت به دست آورد و کم کم به شعر و شاعری و هم‌نشینی با اهل ادب روی آورد .

در همان دوران جوانی و آغاز کار، تخلص عرفی را برای خود انتخاب کرد و بر اساس آن چه در برخی منابع ذکر شده است، در بیست سالگی بیماری آبله گرفت و به دلیل زشتی صورتش از شیراز رخت سفر بربست و به هندوستان - که آن روزها پذیرای بسیاری از شاعران پارسی‌گوی بود - رفت؛ سپس به دربار جلال‌الدین اکبرشاه، امپراتور مغولی هند راه یافت. وی با وجود جوانی به یمن قریحه‌ی شاعری فراوانی که داشت، پس از اندک زمانی در ایران و روم و هند از شهرتی چشم‌گیر برخوردار شد.

«از جمله بیانات روشنی که درباره‌ی سخنوری عرفی شده است، از میرعبدالرزاق خوافی است که می‌گوید: بیشتری از اساتذه‌ی سخن‌شناس اتفاق دارند که در کلام مولانا، جزالت با

سلاست و لطافت با متانت جمع آمده و بدین شیوازبانی و شیرین‌بیانی، کم‌تر کسی بوده است. در نظم قصاید چنان بلند مرتبه افتاده که هیچ‌کس را با وی یارای شراکت و هم‌چشمی نمانده.» (ذبیح الله صفا، ۱۳۷۱: ۵۲۷)

عرفی به سبب مهارتی که در جوانی به دست آورد، خود را نه تنها از شاعران هم‌زمان خویش، بلکه از شاعران پیشین همچون انوری، خاقانی و نظامی هم برتر می‌دانست و این غرور، مایه‌ی رنجش هم‌عصرانش را فراهم آورد.

وی نیز همچون بسیاری از هم‌عصران خود، در بیشتر قالب‌های ادبی طبع‌آزمایی کرده و به خوبی از عهده‌ی آن برآمده است. با مطالعه‌ی شعر عرفی بویژه قصیده‌هایش، می‌توان به علم و آگاهی او در زمینه‌ی دانش‌های پزشکی، منطق و حکمت پی برد.

عرفی با وجود سن کم، در شعر و شاعری شهرت بسیاری کسب کرد اما چندان مهلت نیافت تا استعداد خود را چنان‌که باید، آشکار کند و در سال (۹۹۹ هـ .) در اوج جوانی به بیماری اسهال مبتلا شد و در سی و شش سالگی، در لاهور هند بدرود حیات گفت و در همان‌جا به خاک سپرده شد؛ اما بعد از چندسال پیکرش به نجف اشرف انتقال یافت. (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۴۳۸)

۲-۳- خلدبرین

خلدبرین در قالب مثنوی و در بحر سریع مسدس مطوی مکشوف سروده شده است. شاعر این اثر وحشی بافقی است و چنان‌که شاعر نیز در قسمت مقدمه‌ی این اثر و نخستین ابیات آن اشاره کرده این اثر، به تقلید از "مخزن‌الاسرار" نظامی صورت گرفته است. وی نظامی را در شاعری و سخن‌سرایی همچون شاهی دانسته و خود را شایسته‌ی هم‌جواری با او می‌داند و بر این باور است که در شیوه‌ی به‌کار رفته در اثر خویش، همتایی ندارد:

- ۱۰- بانی مخزن که نهاد آن اساس مایه‌ی او بود برون از قیاس
۱۶- شرط ادب نیست که پهلوی شاه غیر شهان را بود آرامگاه
۱۷- من که در گنج طلب می‌زنم گام در این ره به ادب می‌زنم